شهرآرا
روزنامه شهامید وزندگی
۳شنبه
۳۰ دی ۱۳۹۹
۵جمادی‌الثانی۱۴۴۲
شماره ۳۳۰۳
SHAHRARANEWS.IR

تمدید مهلت ارسال آثار به بخش پوستر خانه بهار

مهلت ارسال اثر در فراخوان بخش پوستر جشنواره خانه بهار مشهد ۱۴۰۰ تا ۱۰ بهمن تمدید شد. به گزارش خبرنگار ما به نقل از اداره هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، شهرداری مشهد فراخوان بخش پوستر جشنواره هنرهای شهری خانه بهار «مشهد ۱۴۰۰» را با سه موضوع؛ مشهد پایتخت معنوی ایران، مشهد شهر ادبیات و مشهد شهر گفت‌وگو به منظور بهره‌گیری از ظرفیت هنرمندان در زیباسازی و ارائه طرح‌های خلاقانه هنر شهری در آستانه سال نو، منتشر کرده است. پیش از این ۳۰ دی به عنوان آخرین روز ارسال آثار اعلام شده‌بود اما این تاریخ تا ۱۰ بهمن تمدید شده‌است. علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را مطابق با ضوابط و مقررات اعلامی در متن فراخوان با مراجعه به سایت رویدادهای هنری شهرداری مشهد به نشانی www.artmashhadevent.ir و ثبت‌نام در سایت، ارسال نمایند. محراب اسدی‌خوانی دبیر و فرزاد ادیبی، هما دلواری و مجید کاشانی اعضای هیئت داوران بخش پوستر خانه بهار ۱۴۰۰ هستند.

استقبال از جشنواره ملی شاهنامه‌خوانی و نقالی

معاون گردشگری و زیارت سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد از استقبال پرشور علاقه‌مندان در جشنواره ملی شاهنامه‌خوانی و نقالی کودک و نوجوان ۱۴۰۰ خبر داد و گفت: شهرداری مشهد در این زمینه در کشور پیشگام بوده و این جشنواره را به برندی برای مشهد تبدیل کرده است به طوری که هر سال علاقه‌مندان از سراسر کشور چشم به آغاز مرحله جدید آن در مشهد دارند. به گزارش خبرنگار ما به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، نرگس شالچیان با بیان این خبر خاطرنشان کرد: سومین جشنواره ملی شاهنامه‌خوانی و نقالی کودک و نوجوان چند روز پس از انتشار پوستر فراخوان با استقبال گسترده علاقه‌مندان و شرکت کنندگان روبه‌رو شد که نشان از موفقیت این جشنواره و نهادینه شدن این اقدام سترگ در کشور دارد.

به نظر او این پویش باعث تشویق کودکان و نوجوانان و خانواده‌ها برای شاهنامه‌خوانی و آشنایی با فرهنگ کهن ایران‌زمین شده است، حتی خانواده‌هایی که شاهنامه نخوانده‌اند فرزندان خود را تشویق به خوانش آن کرده‌اند. معاون گردشگری و زیارت سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد یادآور شد: در فضایی که بیماری کرونا و مشکلات اقتصادی باعث تشویش اذهان و شور و نشاط نداشتن در جامعه شده، این گونه جشنواره‌های فرهنگی می‌تواند تکاپو و نشاط ویژه‌ای ایجاد کند. شالچیان با اشاره به زمان برگزاری مرحله نهایی «دومین جشنواره ملی شاهنامه‌خوانی» گفت: ۲۵ اسفند امسال، مشهد شاهد حضور و رقابت نهایی ۳۰ برگزیده دومین جشنواره از سراسر کشور خواهد بود.

او همچنین درباره مهلت ارسال آثار در «جشنواره ۱۴۰۰ شاهنامه‌خوانی» کشور توضیح داد: ۱۵ بهمن آخرین مهلت ارسال آثار متقاضیان است و پس از آن مراحل داوری و انتخاب آثار برگزیده بلافاصله انجام خواهد شد. برگزیدگان آثارشان برای داوری مردمی در آپارات بارگذاری خواهد شد. همچنین مرحله فراخوان جشنواره شاهنامه‌خوانی ۱۴۰۰ به‌هیچ‌وجه تمدید نخواهد شد.

معاون گردشگری و زیارت سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد از بازماندگان جشنواره‌های قبل نیز درخواست کرد، با افزایش آمادگی خود و رعایت نکاتی که در داوری آثار دارای اهمیت است از جمله؛ تسلط بر ادبیات و خوانش صحیح، لباس، فن بیان و ... در جشنواره ۱۴۰۰ شرکت کرده و باردگر در رقابت حضور پیدا کنند.

آلبوم «به یاد دوست» منتشر شد

آلبوم «به یاد دوست» با هنرمندی جواد بطحایی، نوازنده پیشکسوت سنتور به یاد مرحوم محمدرضا لطفی در دسترس مخاطبان قرار گرفت. به گزارش مهر، این مجموعه شامل ۹ آهنگ بی‌کلام از تک‌نوازی سنتور در دستگاه‌های موسیقی ایرانی است. «به یاد دوست»، «مقدمه»، «نسیم»، «هوای تازه»، «درآمد بیات شیراز»، «رقص پروانه»، «یادباد» عنوان قطعاتی هستند که در این آلبوم منتشر شده‌اند.

جواد بطحایی از هنرمندانی است که علاقه‌مندان موسیقی او را بیشتر با نوازندگی سنتور می‌شناسند. به عبارتی او با تک‌نوازی‌هایش شناخته شده است ولی وجه آهنگ‌سازی او کمتر شناخته شده و گذشته از چند قطعه بی‌کلام (که گاه برای سنتور و گاه برای سنتور و ارکستر تنظیم شده است)، تمایل او به موسیقی باکلام در قالب تصنیف است. بطحایی با شعر فارسی آشنایی بسیاری دارد و از موسیقی‌دانانی است که با دنیای شعری و تصویری نوذر پرنگ، انس و الفت دارد.

«صبح و شب – تک‌نوازی سنتور»، «شکوه – تک‌نوازی سنتور به یاد پرویز مشکاتیان»، «ابدیت – تک‌نوازی سنتور به یاد محمدرضا شجریان»، «فریاد خزان – تک‌نوازی سنتور به یاد فرامرز پایور» و ... آلبوم‌هایی هستند که تاکنون از سوی جواد بطحایی پیش روی مخاطبان قرار گرفته‌اند.

گفت‌وگو با منصور علیمرادی درباره رمان «اوراد نیمروز»

اثرم رنگ و بوی خراسانی دارد

لیلا کوچک‌زاده
l.kouchakzadeh@shahraranews.ir

گفت و گو

«اوراد نیمروز» اثر منصور علیمرادی، رمان شایسته تقدیر در سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال، محصول دو روایت درهم تنیده از سفر شخصیت اصلی به اعماق کویر لوت و زندگی عاشقانه او با هنرمند تئاتری در تهران است. بهمن محسنی دکترای تاریخ دارد و در جست‌وجوی مزار خواجه ملک محمد، فرزند یعقوب لیث صفاری به لوت می‌رود. او معتقد است، اگر خواجه محمد در کودکی از دنیا نمی‌رفت و زنده می‌ماند، هزار سال پیش سرنوشت ایران تغییر می‌کرد.

در این رمان، پایتخت، در مقابل وسعت لوت قرار می‌گیرد. تهران، کافه‌ها، سیگار و دنیای مدرن در برابر سکوت، شنزار، سراب، شب‌های شهابی و مردمانی سرسخت و کم‌حرف و تاریخ و اسطوره‌ها. در این تقابل اما، چهره زندگی شهری رنگ می‌بازد و وسعت کویر بر طنازی شهر حاکم می‌شود. چنانکه در ابتدای کتاب، جمله‌ای از آلفونس گابریل همین را تأیید می‌کند: «کسی که گرفتار افسون کویر شد، تا پایان عمر رهایش نخواهد کرد»

منصور علیمرادی زاده ۱۳۵۶ در جنوب کرمان، نویسنده، شاعر، پژوهشگر فرهنگ عامه و روزنامه‌نگار است. او برگزیده چهارمین دوره جایزه هفت‌اقلیم برای رمان «تاریک‌ماه» (۱۳۹۲-روزنه) و همچنین برگزیده جایزه باستانی پاریزی برای کتاب «اشعار و ترانه‌های شفاهی مردمان حوزه هلیل‌رود» (۱۳۹۵) شده است و امسال هم با «اوراد نیمروز» (نیماژ-۱۳۹۸)، شایسته تقدیر در جایزه ادبی جلال آل احمد. در ادامه گفت‌وگوی ما با این نویسنده جنوبی درباره ویژگی‌های زبانی و روایی اثر، که به گفته نویسنده‌اش رنگ و بویی خراسانی دارد پیش روی شماست.

شما در مصاحبه‌ای بیان کرده بودید «نوشتن این اثر نفسم را گرفت از بس کار سختی بود». دشواری‌های نوشتن «اوراد نیمروز» چه بود و چه عواملی این موضوع را تشدید می‌کرد؟

نوشتن این اثر از چند منظر دشوار بود. درآوردن فرم اثر که تا حدی آن را می‌توان موزاییکی نامید و همچنین زبان اثر که به دنبال غنای زبانی چه در روایت کلی و چه در لحن شخصیت‌ها بودم. از طرفی چفت‌وبست‌های این اثر باید در لایه‌های زیرین آن به سامان می‌رسید که نوشتنش را سخت و نفس‌گیر می‌کرد و البته این کار بارها ویرایش شده است.

اولین داستان‌های شما زبانی ساده و صمیمی دارد. یک راوی پایبند به فرمی صمیمی. اما در «اوراد نیمروز» از آن زبان فاصله گرفته‌اید. آیا به طور مشخص این کار را انجام داده‌اید؟ هدفتان چه بوده است؟

هر داستانی زبان خودش را دارد. یکی از ضعف‌های اساسی در ادبیات داستانی ما مسئله فقر زبان است. دایره واژگان آثار، محدود است. خوب با دایره واژگان محدود، نمی‌توان ساحت‌های مختلف یک رمان را به‌خوبی درآورد. ابزار نویسنده، کلمه است. غنای زبان در اوراد به چند حوزه کاری من برمی‌گردد. هم متأثر از شاعر بودن، هم پژوهش‌هایی در حوزه فرهنگ و ادبیات شفاهی جنوب و جنوب شرق ایران که بخشی از آن ۵ تا ۶ جلد فرهنگ لغت است. همین‌طور خواندن آثار کهن ایران مثل شاهنامه و تاریخ بیهقی و آثار رودکی و عنصری و عسجدی و متن‌های تاریخی عرفانی. نثر «اوراد نیمروز»، با «تاریک‌ماه» و دیگر داستان‌های کوتاه من متفاوت است و البته رنگ و بوی خراسانی دارد. چون بخش مهمی از این رمان در پهنه سیستان و خراسان می‌گذرد.

شما در مصاحبه‌های خود به بهره از زبان‌های آرگو (زبان مخفی)، کهنه‌گرا تا لحن متن‌های بین‌النهرین اشاره کرده بودید. لطفا درباره کارکرد این زبان‌ها در «اوراد نیمروز» بگویید.

بسیاری از ترکیب‌ها و واژه‌ها را ساخته‌ام. بعضی از واژه‌ها از متن‌های قدیمی آمده‌اند و بعضی هم برگرفته از واژه‌های محلی نواحی امروز ایرانی است و سعی کرده‌ام مخاطب در حین خواندن نثر کتاب احساس تصنعی‌بودن نکند. اما هر چه در ساختمان این اثر به کار رفته، کارکردی فرمی‌محتوایی داشته، من فقط در پی ساختن زبان نبوده‌ام. چنانکه در سازه این اثر، لازم بود در بخش‌هایی لحن، ریتم و منش نثرِ متن‌های بین‌النهرین را بازسازی کنم. چون «اوراد نیمروز»، در جاهایی به ساحت‌های گفتمانی با فرهنگ‌های دیگر ورود می‌کند، لازم بود در آن قسمت‌ها زبان خاص خودشان را بسازد. از طرفی، زبان کلی اثر باتوجه به مکان آن که کویر است و عقبه اسطوره‌ای تاریخی دارد، زبان متفاوت‌تری می‌طلبید تا زبان رمانی که مثلا درباره شمال ایران باشد و لطافت در نوشتار لازم دارد.

به نظر شما مخاطبان می‌توانند با این زبان ارتباط برقرار کنند؟

به پاسداشت حاج قربان سلیمانی هم‌زمان با سالروز درگذشت این موسیقی‌دان خراسانی

آورد به یک زخمه، جهان را همه در رقص...

محمدجواد صحافی
پژوهشگر موسیقی

زندگی با موسیقی

طرح: محمود آزادنیا/ شهرآرا

سیر در پهنه تاریخ ایران زمین مشعر بر این نکته گرانمایه است که فرهنگ، ادب و هنر این مرز و بوم، آمیختگی شگرفی با سرزمین خراسان دارد، این امتزاج هنری آنچنان در پوست و گوشت و استخوان اهالی این دیارِ ادیب‌پرور، ریشه دوانده است که برخلاف نابودی صدها نبشته مستند در تاراج زمان، جستاری اندک، ما را به هزاران نام نامی در حوزه‌های متعدد ادبی، فرهنگی، تاریخی، هنری و علمی رهنمون کرده و هر ذهن جست‌وجوگری را متحیر و مبهوت از این گنج عظیم و این ثروت معنوی می‌نماید. از متقدمینی همچون حکیم ابوالقاسم فردوسی، خیام نیشابوری، عطار نیشابوری و ابوبیمین فَریومدی تا متاخرینی چون محمدتقی بهار، مهدی اخوان ثالث، عماد خراسانی، محمدرضا شفیعی کدکنی، محمد قهرمان و محمود دولت‌آبادی که جملگی از نوابغ و افتخارات ادبیات پارسی انگاشته می‌شوند. اما عده نامداران این سرزمین زرخیزِ ادب، تنها به حوزه ادبیاتَ خلاصه نشده و هنرمندان برخاسته از دیار خراسان، خاصه در گستره پررمز و راز خنیاگری -این هنر ناب دیرین که از دیرباز مورد هجمه و ناروا‌گری بسیاری قرار گرفته است- به اندازه‌ای پرشمار و ارزشمند هستند که تجلی نمودشان، انقلابی برپا کرده و نام و نشَان آن‌ها از گستره این مرز و بوم فراتر رفته است، گرانمایگان خوش‌الحانی همچون محمدرضا شجریان، پرویز مشکاتیان، منصور نریمان و ... که اعتبار هرکدامینشان می‌تواند نمادی بایسته برای فرهنگ و هنر یک ملک لحاظ شود. در این میانه اما، سهم هنرمندان محلی این دیار از شمال تا جنوب آن- در این پرمایگی هنری همسان با مهتران و استادان حوزه هنر ملی بوده و در مقاطعی والاتر از آن نیز قلمداد می‌شود. بزرگانی همچون محمد قیطاقی، غلامحسین سمندری، عثمان محمدی‌دوست، حاج قربان سلیمانی، حسین یگانه، احمدقلی احمدی، نور محمد درپور و عده بسیاری از نام‌آوران عرصه موسیقی محلی خراسان که این هنر را نه در سطح ملی که در قالبی جهانی ارائه داده و توجه جهانیان را به خنیاگری رامشگران مقامی خراسان جلب نموده‌اند.

از جمله این عالی‌مقامان، حاج قربان سلیمانی، بزرگمرد موسیقی محلی خراسان بود، هنرمند ارزنده‌ای که نامش پس از حضور در صدا و سیمای خراسان در سال ۱۳۶۷ و در برنامه «اندیشه هنر» بر سر زبان‌ها جاری شد ونزد عوام نیز به شهرت رسید، پس از آن بود که آوازه هنرش مرزها را درنوردید.

حاج قربان، بخشی، دوتار نواز و خواننده موسیقی شمال خراسان که مطابق آنچه در سند خانوادگی او موجود است در سال ۱۳۰۲ در منطقه سرولایت روستای علی‌آباد و در خانواده‌ای ترک‌زبان زاده شد، برخی اسناد سال ولادت او را ۱۲۹۹ می‌دانند. او یکی از بخشی‌های بزرگ شمال خراسان بود که به ترکی، فارس و کردی آواز می‌خواند.

واژه بخشی، در ادبیات فارسی و ترکی پس از آمدن مغولان به ایران پدیدار گشت، به نظر می‌رسد نقشی که بخشی‌ها در آن روزگار بر عهده داشتند، گاه نقش شَمَن شفابخش بوده است و گاه نقش راهبِ بودایی.

اما در میان دیگر اقوام، واژه بخشی در طول قرن‌ها به معنای رامشگر و روایتگر و خواننده افسانه‌ها و حماسه‌ها به‌کار رفته است. محمدرضا درویشی[۲] در کتاب «از میان سرودها و سکوتها»، در وصف بخشی‌ها چنین می‌گوید: «بخشی‌ها نوازندگان دوتار، آوازخوان و داستان‌گو هستند. شهرهای قوچان، شیروان و بجنورد، مراکز عمده بخشی‌های شمال خراسان است. بنابر روایت‌های شفاهی بخشی کسی است که خداوند به او بخشش و